

دکتر باقرپور کاشانی



مہجوریت زبان فارسی

هوالحکیم

## مهوریت زبان فارسی

هرچه دسته‌بندی در زبان شده باشد، تفکیک شده باشد، ریزه‌کاری شده باشد، دقت در آن زبان بیشتر هست! مثلاً فعلی که استفاده می‌شود، مذکر و مؤنثی که در نظر می‌گیریم، اشیائی که لحاظ می‌کنیم، تذکیره و تأنیثش، دایره لغت!

مثلاً ببینید در زبان فرانسه، آلمانی، عربی، حالا انگلیسی هم چون شده زبان اینترنشنال و جهانی، سالیانه یک تعداد واژه دارند به زبانشان زیاد می‌کنند. با اینکه زبانی اصلاً قابل مقایسه نیست! انگلیسی در ارتباط با زبان عربی، آلمانی یا فرانسه! رأی‌گیری که کردند، به نفع زبان انگلیسی درآمده! اگر به دقت باشد، نه چنین نیست این زبان!

حالا ببینید در فارسی، ما چنین نداریم، ما مشکل واژه داریم! واژه‌ها، واژه‌های کهن هست، واژه جدیدی نداریم. حالا چه کار می‌کنند؟ می‌خواهند یک کتاب آلمانی یا یک کتاب عربی یا یک کتاب زبان فرانسه را به فارسی ترجمه کنند، به‌طور اکثر می‌شود مغلق! نمی‌فهمی!

یک حدیث پیامبر را می‌خواهی ترجمه به فارسی بکنی، چقدر سخت است!  
در صورتی که اگر عربی بدانی، اصلاً سختی ندارد!

مغلق هست به خاطر چه؟ به خاطر اینکه ببینید ما این قدر ریزه‌کاری‌ها در  
ارتباط با لغت‌ها، جعل لغت‌ها در ارتباط با زبان عربی یا آلمانی یا فرانسه  
داریم، دستمان باز هست.

فرض کنید برای کوچک‌ترین حالات روحی، یک واژه‌ای در نظر گرفتند. اما  
می‌بینیم که پنج شش تا واژه‌ای که در آلمانی هست این‌ها با هم متفاوت  
هست، معادلش دو تا واژه فارسی بیشتر نیست! حالا این را می‌خواهیم  
ترجمه کنیم، این می‌شود مغلق!

شما کتاب‌هایی که نگاه بکنید، چه زبان آلمانی، چه فرانسه و چه عربی  
باشد، معمولاً که ترجمه می‌شود، به مشکل می‌خورد. فارسی‌زبان نمی‌فهمد.  
مگر چی کار کند؟ مترجم، ترجمه به تعبیری تفسیرانه بکند!

تفسیر بکند واژه را که بتواند منظورش را برساند! این دیگر ترجمه نیست!  
ترجمه تحت‌اللفظی نیست. تفسیر دارد می‌کند! که حالا می‌تواند ما را تازه  
نزدیک کند!

مثلاً از باب نمونه عرض می‌کنم هایدگر، یک فیلسوف اگزیستانس بود. تقریباً  
می‌شود گفت که از بزرگ‌ترین فیلسوفان جهان غرب هست.

یک فیلسوف آلمانی که همین‌طور که مثلاً ما در ایران می‌گوییم ملاصدرا چنین و چنان هست، در کشور آلمان، هایدگر خیلی اهمیت دارد.

حالا ببینید هایدگر، فلسفه درس می‌داد. می‌گفتند که کلاس درسش این‌قدر خواهان داشته از دانشجویان مختلفی که غیر دانشجویان فلسفه بودند! فیزیک می‌خواندند، ریاضی می‌خواندند، دوست داشتند بنشینند!

یک تالاری بوده، کلاس این بنده خدا یک تالاری را به او داده بودند، ایشان شروع می‌کرد درس دادن، جمعیت هم می‌آمدند از جاهای دیگر به صورت آزاد، مستمع آزاد استفاده می‌کردند و جالب این هست که آن کسانی که تعریف کردند گزارش کردند در کلاس‌های هایدگر، می‌گفتند این‌قدر این روان می‌گفت، همه می‌فهمیدند! یعنی غیر از کسی که فلسفه هم نخوانده بود، کسی که دانشجوی فلسفه نبود، او هم می‌فهمید!

حالا همان مطالب هایدگر ترجمه به فارسی شده. استاد فلسفه غرب درست نمی‌تواند بفهمد در دانشگاه! چرا؟ به خاطر اینکه حق هم دارد! مثلاً یک آقای کتاب معروف هایدگر را ترجمه کرده، من نگاه می‌کنم، این بنده خدا دیده واژه کم آورده. چه بگوید؟ خودش واژه خلق کرده! اصلاً خودش گفته چه کار کنم؟ اصلاً یک چنین واژه‌ای نیست! خودش نشسته گفته من قرار دادم یک واژه و از آن‌جا به بعد، باعث شده آن واژه‌ها به صورت فارسی در فلسفه

غرب برای دانشجویان و اساتید فلسفه غرب استفاده بشود. اصلاً چنین  
واژه‌ای نیست.

حالا به قول یکی از اساتید ما می‌گفت ترجمه‌ای که این آقا داشته، این  
خودش نیاز به دو سه جلد شرح دارد! این قدر سخت است! یعنی یک صفحه  
را باید دو سه دور بخوانی، بفهمی یا نفهمی! نه اینکه هایدگر مشکل داشته! بد  
گفته یا مترجم مشکل داشته! نیست واژه! زبان پیشرفت نکرده!

زبان فارسی مهجور مانده! پایه‌پای زبان‌های دیگر پیشرفت نکرده! ما واژه کم  
داریم! تازه واژه‌هایی هم که داریم چیست؟ بیشتر وارداتی هست! واژه وارد  
می‌شود، در بین ما جا می‌افتد، حالا می‌خواهند چی کار کنند؟ می‌گویند ما  
زبانمان تخریب نشود، بیاییم یک واژه‌ای خلق کنیم!



@aparat.com/be  
\_sooye\_zohoor



v\_bagherpour\_  
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-  
kashani.com/



@serat12k



youtube.  
com/c/seratehagh



https:  
//naakhodaa.ir